



✽ مدیر میرزا قاسم خان تبریزی ✽

✽ عنوان مراسلات ✽

✽ طهران خیابان علاءالدوله ✽

✽ محاذی مهمانخانه مرکزی ✽

✽ پنجشنبه ۱۲ رجب ۱۳۲۵ هجری ✽

✽ فروردین ماه سال ۱۳۲۷ نزد گردی پاریسی ✽

✽ ۲۲ ماه اوت ۱۹۰۷ میلادی ✽

فاذا نفيخ في الصور فلا انا سب بينهم

هنگامی سپاسی تاریخی اخلاق ۰ مقالات

ولوا یحیی که موافقت با مسلک ماداشته باشد با

امضای پذیرفته میشود در طبع و عدم طبع

اداره مختار است با کتبه‌های بدون عبر

قبول نخواهد شد

✽ قیمت اشتراك سالانه ✽

طهران دوازده (۱۲) قران

سایر بلاد ایران هفده (۱۷) قران

سواحل خارجه دو (۲) تومان

✽ قیمت يك نمره ✽

طهران چهار (۴) شاهی

سایر بلاد ایران پنج (۵) شاهی

خود را دانسته و بنظر و تصدیق اهل مجلس که عبارت از آن عقول متعصبه است رفتار نماید اگر ظلم باشد محدود باشد تا بتوانند تحمل نمایند نه مثل خروس جنگی همبکه بر طرف مقابل خود غالب شد متصلاً با مقدار سر او را میگوید هر چه خون بیاید و سر خود را زیر پر و بال ظالم خود پنهان کند و التجأ بیابد دست از کوبیدن سر او بر نمیدارد و هیچ حدی ندارد که ملاحظه آن حد بشود چون حیوان است و در این زمان از قرار مسموع حال و لاف و حکام همین طور است که سببیت پیدا کرده از شمار انسانیت بیرون رفتند و کسی بفریاد مظلوم نمیرسد اما اعلی حضرت اقدس شهربازی دام ملکه که دست رس بان ذات اقدس ندارند و اما غیر آن وجود مبارک یا ضعیف و غیر قادرند بر دفع و یا قادرند و لکن شريك الصناعة هستند با آن ظالم و بدیهی است که این مطلب دخلی و ربطی بمخالفت دین و مذهب ندارد نخواهند دین و مذهب مردم مشروطه باشد یا مطلق

صورت دستخط حضرت حجة الاسلام ملاذ الانام آية الله آقای آخوند ملا عبداللہ مازندرانی سلمه الله تعالی است که در جواب رفته جناب مستطاب عمدة العلم الکرام شریعتمدار آقای آقا شیخ مهدی فجل مرحوم حاجی شیخ هادی مجتهد نجم آبادی طاب ترأه نکاشته اند بسم الله تعالی

مخفی نیست بر احدی که در این اعصار تعدیات امرأ و حکام و سر کرده ها و اجزای دولت بجدی طغیان نموده که تمام خلق بتنگ آمدند دیدند جان و مال و عرض ایشان رفته و میرود . برودر آمده بالاتفاق گفتند مادولت مشروطه میخواهیم حتی آنها بیکه الان طریقه نفاق رفتار میکنند و آنچه بما ابلاغ نموده و نوشتند از معنی مشروطه اینکه ارباب عقول منخب شوند برای حفظ حدود و ضبط حقوق دولت و رعیت که حدود کردار و رفتار دولت با رعیت چه باشد و حقوق دولت را که باید رعیت اداء نماید حقاً و یا باطلا چه باشد تا هر یک حدود

و لیکن تحریک جمله از مستبدین و ظالمین که عادت نمودند بظلم و جور چون عمر و بن عاص که بمکر و جسارت او مصاحف بر سر نیزه شد تا دست از حق بردارند بعضی را وا داشته که لواط مشتمل بر کفر و زندقه و الحاد با نسبت خود بمجلس محترم نوشته و اشاعه دهد تا این مکر و حیا بمجلس محترم که وضع آن بر رفع ظلم و ستم است در نظر مبارک اعلی حضرت پادشاه اسلام و علماً اعلام و مقدمین از عوام موهون شود و او بمقصد باطل خود نائل شود و بمکرون و بمکرانه و الله خیر الما کرین

حرره الاحقر عبدالله الما زندرانی

محل مهر مبارک (قال انی عبدالله)

﴿ ایضاً ﴾

عرض میشود رقبه محترمه زیارت شد از اطلاع بر صحت مزاج شرافت امتزاج جناب عالی خوشوقت و مبرور گشته از حال این ضعیف مستفسر شدند بحمد الله تعالی حیوة مستقر باقی و عمر بدعای آن نجیة الاحباب و عموم مؤمنین مصروف است در این روزها ملائت خاطر بسیار و پریشانی حواس پنهان چون از تلکرافات متعدد مظاهر شد که جماعتی از اهل علم ملاحظه نسیات خود و یا تحریک بعضی از مستبدین علم مخالفت بر افراشته و زاویه حضرت عبدالنظیم را محل اعتکاف ساخته فریاد و ادیان ووا اسلاماء بلند مینمایند (زعماً بهم خوف الفتنة الانی المنته سقوا) بتالیس اینکه حفظ دین و ترویج شریعت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله مینمایند با اینکه جان و مال و عرض مسلمانان را در معرض تلف در میآورند و انقراض مجلس شورای ملی که بجهت اصلاح حال عموم رعیت و نظم امور دولت و فوائد آن عائد بعموم اهل ملت است و بجهت ضبط و تحدید ظلم و تعدیات و لایه و حکام و امرا که خارج از قوت و طاقت تحمل خلق بوده شد بدون استلزام خروج از حدود شریعت مطهره سعی در اجراء و همراهی در قرار و استدامه چنین مجلس راجح بلکه لازم است چون از مراتب نهی از منکر است و بنای تحریک و مخالفت آن در حد مخالفت با صاحب شریعت است مع ذلک این حضرات بسبب مکر و حیل عمر و عاص صفتان این زمان تمیمة اذعان خود نموده

اظهار مخالفت مینمایند و بحسبون اهم بحسبون صنعا زیاده زحمت نمیدهد ایلم افادت مستدام والسلام علیکم ورحمة الله حرره عبدالله الما زندرانی

محل مهر مبارک (قال انی عبدالله)

البته مشرکین عظام از دقائق و رموز عبارات دودستخط فوق مستعضر شدند و دانستند که عقیده بزرگان دین و علمای مفاد عتبات مانعیت بمجلس شورای ملی چه میباشد و مخالفین آن مجلس را که فریاد و اشربته بلند کرده چگونه در ردیف عمر و عاص علیه السلام و العذاب میدانند و باز ناچار دانستند که صریحاً حضرت آیه الله مینمایند که (این مطلب دخلی و ربطی بمخالفت دین و مذهب ندارد و مجلس میخواهد که دین و مذهب مردم مشروط یا مطلق باشد) و نیز خواندند که حضرت معظم مرقوم مینمایند « که این عقول متمنجه برای حفظ حدود و ضبط حقوق دولت و رعیت که حدود کردار و رفتار دولت با رعیت باشد و حقوق دولت را که باید رعیت ادا نماید حقاً و یا باطلا انتخاب شده اند » از تمام این دو دستخط صریحاً ظاهر و هویداست که قصد مجلس تمذیل ظلم و تسویه امور معاشی است و با مور معادیه مردم کاری ندارد . دیگر مخبر شدند که عبارتهای صور اسرافیل را علمنای عتبات عالیات ایدهم الله نیز چون قصد حق و حقیقت است مینویسند و میگویند . منتها صور اسرافیل بزبان عامیانه موافق حس و وجدان خود مینویسد . و حجج اسلام و فقهیم الله تعالی لتائب الدین با بر این عقلی و علمی ادا مینمایند حفظ این دودستخط بجان ما بر هر مسلمان عموماً لازم و غور و تأمل در مرموزات آن خصوصاً بر وکلای مجلس شورای ملی ادا الله تأییداتهم از فریض است